

باسمه تعالی

- ۱.....وجه تقدیم اصل موضوعی بر استصحاب
- ۲.....اشکال
- ۲.....پاسخ
- ۳.....وجه تقدیم استصحاب بر قرعه
- ۳.....وجه اول: اخصیت استصحاب نسبت به قرعه
- ۳.....اشکال
- ۳.....پاسخ
- ۴.....شبهه ورود قرعه بر استصحاب

موضوع: تعارض استصحاب با اصول موضوعی / تعارض استصحاب / تعادل و ترجیح

خلاصه مباحث گذشته:

مرحوم آخوند در تعارض استصحاب با دیگر اصول در فرض تنافی، بحث را در دو قسمت مطرح فرمودند و ابتداء نسبت استصحاب با غیر از قرعه و سپس نسبت آن را با قرعه بررسی می کند.

اصول موضوعیه غیر از قرعه همانند اصاله الصحه و فراغ و... می باشد که منتج موضوع در شبهات موضوعیه هستند و مجرای آنها شبهات حکمیه نیست، همگی بر استصحاب مقدم است و لذا اگر قاعده تجاوز، اقتضاء انجام رکوع را دارد، استصحاب اقتضاء عدم آن را دارد و اگر فراغ مقتضی صحت باشد، استصحاب عدم جاری نمی شود و اگر اصاله الصحه اقتضای صحت معامله غیر را کرد، استصحاب فساد معامله جاری نمی شود و همینگونه مقتضی ملکیت در قاعده ید بر استصحاب مقدم است.

وجه تقدیم اصل موضوعی بر استصحاب ۱

مرحوم آخوند می فرمایند: دلیل تقدیم اصول موضوعیه بر استصحاب، نسبت عموم و خصوص مطلق بین اصول موضوعیه و استصحاب است و اگر بر دلیل استصحاب مقدم نباشند موردی نخواهند داشت؛ مثلاً قاعده تجاوز حکم به اتیان جزء می کند در حالیکه استصحاب همیشه اقتضای عدم آن را دارد و همینگونه در قاعده فراغ و فراش و... است که جمع عرفی اقتضای تقدیم آنها را بر استصحاب دارد و به همین جهت موجب تخصیص دلیل استصحاب می شود.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص ۴۳۲.

بله اگر فرض شود در مواردی نسبت عموم من وجه نیز بشود و همانگونه که دلیل استصحاب از حیث شمول نسبت به شبهات حکمیه و مواردی که اصول موضوعیه مانند قاعده فراغ مورد ندارند، اعم است؛ ممکن است اصل موضوعی بدون استصحاب نیز مصداق داشته باشد و اعم از استصحاب باشد، همانند موارد تعارض استصحاب به جهت علم اجمالی و یا توارد حالتین مثل موردی که استصحاب به جهت توارد حالتین جاری نشده است؛ ولی قاعده فراغ مقتضی صحت وضوء و صحت نماز سابق است. بنابر این نسبت بین استصحاب و اصل موضوعی عموم و خصوص من وجه می شود؛ ولی در اینگونه موارد نیز اصل موضوعی به چند وجه بر استصحاب، مقدم است

اولاً: از جهت فقهی احتمال تفصیل بین موارد قاعده فراغ از این جهت، نیست و کسی در جریان قواعد مذکور تفصیلی نسبت به موارد شمول استصحاب و عدم آن نداده است.

ثانیاً: تقدیم استصحاب بر این ادله موجب ندرت موارد این اصول شده و موجب تخصیص مستهجن و حمل بر فرد نادر خواهد شد و لذا در حکم نص می شود و قابل تخصیص نیست؛ ولی دلیل استصحاب قابل تخصیص است؛ پس اصل موضوعی بر آن مقدم شده و موجب تخصیص دلیل استصحاب می شود.

بله تقدیم این قواعد بر استصحاب محذوری ندارد و موجب تخصیص زیادی نمی شود و حتی اگر موجب تخصیص زیادی بر استصحاب بشود ولی تخصیص کثیر و حتی تخصیص اکثر موارد نیز، اگر به حد استهجان نرسد مانعی ندارد.

اشکال

مورد برخی از اصول موضوعیه همانند قاعده فراغ منحصر به موارد مخالف استصحاب نیست و در فرض توافق نیز جاری می شوند و اختصاص دلیل این اصول به مورد توافق و تقدیم دلیل استصحاب در موارد اختلاف، بدین جهت موجب تخصیص مستهجن نمی شود.

پاسخ

اکثر موارد برخی از این اصول همانند قاعده فراغ و قاعده تجاوز در فرض مخالف با استصحاب است و مواردی که موافق استصحاب باشد همانند شک در صحت نماز در فرض سبق طهارت در قاعده فراغ و شک در فعل زیاده در قاعده تجاوز بسیار اندک است. البته در اینگونه موارد استصحاب نیز جاری می شود بلکه مورد برخی روایات استصحاب نیز در فرض جریان قاعده تجاوز و... بوده است.

اما محذور لغویت در اختصاص این اصول به موارد توافق با استصحاب صحیح نیست؛ زیرا همانند قاعده طهارت که موافق اصل براءت است و دو دلیل بر یک امر وجود دارد مانعی از جهت لغویت در اختصاص اصول موضوعیه به موارد توافق نیست. همچنین برخی از این قواعد همانند قاعده فراغ در موارد مخالفت با استصحاب صادر شده اند و قابل اختصاص به حسب مورد به موارد توافق با استصحاب نیستند.

وجوه تقدیم استصحاب بر قرعه

استصحاب بر قرعه به چند دلیل مقدم است

وجه اول: اخصیت استصحاب نسبت به قرعه

مرحوم آخوند می فرماید: تقدیم استصحاب بر قرعه این است که استصحاب اخص از قرعه است؛ زیرا استصحاب مقید به علم به حالت سابقه است؛ ولی در قرعه اینگونه نیست و در تمامی موارد جهل به واقع، موضوع دارد.^۱

اشکال

موضوع قرعه منحصر به شبهات موضوعیه است در حالیکه استصحاب در شبهات حکمیه نیز جاری می شود و حتی طبق نظر مرحوم خوئی نیز شمولش نسبت به شبهات حکمیه مانعی ندارد ولی مبتلا به معارض بود و به جهت تعارض، استصحاب را در شبهات حکمیه جاری نمی دانستند. البته به نظر ما ادله استصحاب شمولی نسبت به شبهات حکمیه ندارند ولی مشهور قائل به جریان استصحاب در شبهات حکمیه هستند.

با توجه به این نکته، رابطه بین قرعه و استصحاب عموم و خصوص من وجه می شود و نمی توان استصحاب را بر قرعه مقدم نمود.

پاسخ

عدم شمول قرعه نسبت به شبهات حکمیه به جهت قصور ادله قرعه از آن نیست؛ بلکه به جهت اجماع و مقید لبی منفصل_که به جهت انفصالش موجب تضییق ظهور نیز نبوده است_۲ دلیل قرعه تخصیص خورده و منحصر در موارد شبهات موضوعیه می شود. و از آنجا که در نسبت بین ادله، باید مراد استعمالی و ظهورات، ملاحظه شود و ملاحظه مراد جدی بعد از تخصیص،

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص ۴۳۳.

۲ مقرر: از آن جهت که احتمال انصراف ادله قرعه از شبهات حکمیه وجود دارد، عمومیت آن مسلم نبوده و جمع عرفی به تخصیص نیز مختل می شود.

موجب انقلاب نسبت است که به نظر مرحوم آخوند مقبول نیست، دلیل قرعه اخص از دلیل استصحاب خواهد بود و بر آن مقدم می شود.

ثانیا: قرعه عمومیت صحیحی ندارد و قابل اخذ نیست؛ زیرا تخصیص فراوان قرعه موجب وهن عمومیت آن شده است و اخذ به آن نیاز به موافقت با عمل فقهاء دارد و قدماء نیز جز در موارد نص به قرعه عمل نمی کردند. بنابر این دلیل قرعه فی حد نفسه عمومیت و مقتضی عموم ندارد.

شبهه ورود قرعه بر استصحاب

مرحوم آخوند پس از این شبهه ورود دلیل قرعه بر استصحاب را بررسی می کنند و به آن پاسخ می دهند که ورود طرفینی است و با حجیت هر کدام، موضوعی برای دیگری نمی ماند.